

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



بررسی حقوق متهم در قانون اساسی با توجه بر اصل برائت

رضا جانفزا^۱، محسن دلاوری^۲.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل قشم، قشم، ایران

۲- عضو هیئت علمی گروه حقوق قضایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین الملل قشم، قشم، ایران

Reza.janfaza69@gmail.com

خلاصه

متهم به شخصی اطلاق می‌گردد که در ضمن ارتکاب جرمی قرار گرفته باشد و اتهامی به وی وارد گردیده باشد که برای تعیین صحت و سقم این اتهام مورد بازپرسی قرار می‌گیرد و تا زمانیکه جرم وی قطعا و یقینا اثبات نگردد نمی‌توان وی را مجرم گماشت، همچنین رعایت حقوق فردی متهم ضروری و لازم الاجرا می‌باشد. حقوق متهم مجموعه‌ای از امتیازها و قدرتهای معینی است که در اختیار وی قرار داده می‌شود تا در سایه‌ی آن امنیت قضایی و عدالت از ناحیه دستگاه قضایی، به منظور تامین حقوق و منافع وی تحقق یابد. اصل برائت یکی از اصول اساسی و بنیادی حاکم بر حقوق، اعم از حقوق کیفری و حقوق غیر کیفری می‌باشد که بر حقوق افراد تاکید می‌نماید و ابراز می‌دارد که حفظ آبرو، حیثیت و احترام انسان‌ها که از جان و مال نیز مهم‌تر است بایستی در نظر گرفته شود ولو اینکه آن شخص یک متهم باشد. با توجه بر اهمیت ویژه‌ی حقوق متهم به منظور تضمین حقوق متهمین در دادرسی‌های کیفری، در قوانین دادرسی کیفری و اسناد مربوط به حقوق بشر و همچنین مقررات متعدد اعلامیه جهانی تصمیمات ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. در این بررسی، با توجه بر اصولی چند از قانون اساسی و نیز بیان اصل برائت و همچنین آثار و فروع اصل برائت از جمله: تکلیف مقام تعقیب (دادسرا) به تحصیل و ارائه‌ی دلیل، تفسیر شک به سود متهم، تفهیم اتهام به متهم، حق داشتن وکیل و برخورداری از معاضرت وی، چندی از حقوقی که می‌بایست در اختیار متهم قرار گرفته شود تا با تکیه بر آن بتواند در دادرسی کیفری به منظور اثبات بیگناهی خویش تلاش نماید بیان گردیده شده است.

کلمات کلیدی: بررسی حقوق متهم، اصول قانون اساسی، اصل برائت، آثار و فروع اصل برائت.

۱. مقدمه

عدم پذیرش و تخطی از قوانین و مقررات مرسوم در هر جامعه جرم و فرد خاطی نیز مجرم محسوب می‌گردد و متعاقب جرم صورت پذیرفته، شخص مجازات می‌گردد. «نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حقی آنرا تجویز ننماید و مستوجب مجازات هم باشد جرم نامیده می‌شود. بعضی دیگر نیز هر فعل یا ترک فعلی را که نظم و صلح و آرامش اجتماعی را مختل نماید و قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد جرم نامیده‌اند» [۱]. لذا تخطی از قوانین و ارزش‌های جامعه بشری افراد را در زمره‌ی مجرمان قرار می‌دهد که مشمول مجازاتی بر طبق قوانین کشوری می‌باشد. متهم غیر از مجرم است و دارای حقوقی در پروسه‌های کشوری می‌باشد. وارد کردن اتهام به اشخاص ملزم به سه شرط می‌باشد که آقای دکتر نوروزی در مقاله‌ای تحت عنوان تفهیم اتهام در مقررات کیفری ایران اینگونه بیان نموده است: ۱- عمل منتسب به متهم جرم باشد و در قوانین کیفری مجازاتی بر طبق آن در نظر گرفته شده باشد. ۲- همچنین دلایل و مدارک معتبر دال بر ارتکاب جرم توسط متهم وجود داشته باشد تا بتوان اتهام را به ایشان نسبت داد. ۳- شخص متهم می‌بایست قابلیت ارتکاب جرم را داشته باشد به بیانی دیگر متهم عاقل و بالغ به میل و اختیار خود دست به ارتکاب جرم زده باشد [۲]. متهم به شخصی اطلاق می‌گردد که در ضمن ارتکاب جرمی قرار گرفته باشد و اتهامی به شخص وارد گردیده باشد که برای تعیین صحت و سقم این اتهام مورد بازپرسی قرار می‌گیرد. به عبارتی یقیناً نمی‌توان اتهام را به وی نسبت داد و قطعی دانست لذا مادامیکه جرم شخص معرض نگرندیده نباید مجرم خطاب گردد، بایستی همانند دیگر شهروندان جامعه به دیده احترام به او نگریسته شود و حقوقش محترم پنداشته شود. «نظر به اینکه امروزه مفهوم امنیت و آزادی و رعایت عدالت و حقوق فردی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، در سطح بین‌المللی اقدامات جهانی

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



برای حفظ این امور به تصویب اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های متعددی در جهت حفظ حقوقی دفاعی و آزادی متهم و الزام و پابندی همه دولت‌ها برای پذیرش و اجرای آن مورد توجه و تأیید قرار گرفته است. نظام دادرسی اسلامی که بر پایه‌ی اصل کرامت و حرمت انسانی قرار گرفته است به عنوان نظامی مستقل در کنار دیگر نظام‌های دادرسی متضمن اصولی است که حقوق متهم را در حد اعلایش تضمین می‌کند [۳]. منظور از حقوق متهم عبارت است از مجموع امتیازها و قدرت‌های معین که در اختیار متهم قرار گرفته می‌شود تا در سایه‌ی آن امنیت قضایی و عدالت از ناحیه دستگاه قضایی، به منظور تأمین حقوق و منافع وی تحقق یابد. مطابق اصل ۳۷ ق.ا. «اصل، برائت است. و هیچکس از نظر قانونی مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح اثبات گردد» [۴]. اصل برائت یکی از اصول اساسی و بنیادی حاکم بر حقوق، اعم از حقوق کیفری و حقوق غیر کیفری می‌باشد که صراحتاً بر حقوق افراد تأکید می‌نماید و ابراز می‌دارد که حفظ آبرو، حیثیت و احترام انسان‌ها که از جان و مال نیز مهم تر است بایستی در نظر گرفته شود ولو اینکه آن شخص یک متهم باشد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. این پوهش در پی آن است تا با بیان اصل برائت و آثار و فروع آن بخشی از حقوق مربوطه به متهم را که در ق.ا. بر آن تأکید شده است بررسی نماید و پاسخ مقتضی را برای سوال زیر ارائه نماید.

حقوق متهم با توجه بر ق.ا.ج.ا. چگونه بیان گردیده شده است؟

فرضیه‌ی مورد نظر این می‌باشد که به نظر می‌رسد حقوق متهم با توجه بر اصل برائت و آثار مربوطه به خود که یکی از اصول متعدد ق.ا.ج.ا. است و در برگزیده منشور حقوق متهم است به منظور تضمین حقوق متهم بیان گردیده شده است که در بخش‌های بعدی عنوان خواهند شد.

۲. روش تحقیق

از نظر هدف پژوهشی، مقاله‌ی حاضر جزء تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود که روش انجام آن توصیفی بوده و استفاده از روش تحلیلی نیز بر مبنای اسناد بین المللی، مقررات داخلی و نظرات حقوقدانان می‌باشد. پژوهش از نظر اطلاعات کیفی می‌باشد. همچنین در این پژوهش اطلاعات از طریق اسناد کتابخانه‌ای (پایان نامه، مقاله، کتاب و سایت‌های اینترنتی) جمع‌آوری شده است.

۳. حقوق متهم

«انسان‌ها در قبال تکالیفی که در مقابل خدا و خلق خدا دارند، دارای حق و حقوقی نیز می‌باشند. به عبارت دیگر زندگی اجتماعی برای افراد تکالیفی در مقابل یکدیگر بوجود می‌آورد و در مقابل آن حقوقی نیز بر وی اعطا می‌کند؛ مثل حق داشتن آزادی عقیده، آزادی بیان، حق داشتن شغل و مسکن. متهمان نیز به واسطه انسان بودن و کرامت انسانی؛ همانند سایر افراد دارای حقوقی می‌باشند؛ از قبیل داشتن حق سکوت، حق دفاع از خود، حق انتخاب وکیل، حق دادرسی عادلانه» [۵]. «اساساً هدف حقوق و به خصوص حقوق کیفری برقراری نظم در عالم واقع و خارج است. حقوق به معنای علم، روابط اجتماعی افراد را تنظیم و ضمانت اجراهای مناسب و لازم را برای حقوق، به معنای امتیازات و توانایی‌هایی که علم حقوق برای افراد به رسمیت شناخته است، تعیین می‌کند. در اوضاع و احوالی جدی‌تر که نقض حقوق و قواعد با نظم عمومی ارتباط قوی پیدا می‌کند حقوق کیفری وارد عمل می‌شود و ضمانت اجرای کیفری تعیین می‌کند» [۶]. متهمین به دلیل اتهام وارده علیه‌شان از دیدگاه دیگر افراد جامعه فردی خطاکار تلقی گشته و منزلت اجتماعی خود را از دست داده و به هر اندازه که اتهام متناسب بر آنها شدیدتر باشد به همان اندازه نیز از دیدگاه اکثریت جامعه منزلت و اعتبار خود را از دست می‌دهند. اما توجه بر این امر که متهم نیز یک انسان است می‌تواند بر سرعت تصمیم‌گیری و قضاوت سایرین تأثیر گذار باشد. توجه به اصل حقوق متهم در برابر اتهام یا اتهامات وارده چه بر حق و چه بر ناحق، یکی از بنیادی‌ترین مسائلی است که می‌تواند ضامنی برای تأمین حقوق فردی و اجتماعی افراد شود و همچنین بر تأمین امنیت قضایی کشور تأثیر گذار باشد. حقوق متهم از بنیادی‌ترین عوامل دستیابی و تحقق عدالت کیفری در محاکم کیفری به شمار می‌رود. متهم کسی است که گمان می‌رود قوانین اجتماعی را نادیده گرفته و حقوق دیگران را زیر پا گذاشته است ولو اینکه می‌تواند حقوق فرد خاصی را نادیده گرفته باشد و یا اینکه حقوق عموم جامعه. اما همان شخص به محض ورود به پروسه کیفری از عوامل و ظابطان دستگاه قضایی انتظار مراعات حقوق و منافع شخصی خود را دارد. لذا شخص متهم حقوقی را دارا می‌باشد که می‌بایست توسط عوامل دستگاه کیفری رعایت شود. این حقوق عبارت است از «مجموعه امتیازات و امکاناتی که در یک دادرسی منصفانه لازم است متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که بر خلاف فرض

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



برائت علیه او مطرح شده در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند» [۷]. این حقوق جز حقوق ذاتی است که انسان متکی بر اصل انسانیت خود از آن بهرمنده می شود و هیچ قدرتی نمی تواند آن را سلب نماید. با توجه بر اهمیت ویژه حقوق متهم به منظور تضمین حقوق متهمین در دادرسی های کیفری، در قوانین دادرسی کیفری و اسناد مربوط به حقوق بشر و همچنین مقررات متعدد اعلامیه جهانی تصمیمات ویژه ای در نظر گرفته شده است. من جمله این تضمینات که در منابع متعدد از آنها نام برده شده است عبارتند از: حق تفسیر شک به سود متهمین، حق سکوت، حق تفهیم اتهام به متهمین، حق منع از بازداشت متهمین مگر به حکم قضایی، حق برخورداری از وکیل مدافع، حق برخورداری از محاکمه ای عادلانه و بی طرفانه، حق محاکمه حضوری و همچنین با حضور هیات منصفه، حق مصونیت منزل و مسکن، حق منع از شکنجه، حق برخورداری از تسهیلات و وقت مناسب جهت اثبات بی گناهی خود، حق شکایت از آراء دادگاه بدوی و درخواست تجدید نظر. «در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصولی چند و از جمله اصل بیست و پنجم، سی و دوم، سی و پنجم، سی و هفتم و سی و هشتم به حقوق دفاعی و آزادی متهمان اختصاص یافته» [۸]. اصل سی و هفتم قانون اساسی مشمول اصل برائت می باشد. «در حقیقت، حتی در صورت فقدان سایر اصول نیز اصل برائت دارای آن چنان غنایی است که می توان همه حقوق متهمان را در جریان یک دادرسی کیفری تامین نماید» [۸].

اصل بیست و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان می دارد «بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون» [۴]. بر طبق این اصل هنگامی که متهم در بازداشت می باشد از مبادرت به این اعمال علیه متهم باید جلوگیری شود.

اصل سی و دوم ق.ا «هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلیل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده ی مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود» [۴]. بر طبق این اصل لزوم تبیین و تشریح اتهام وارده و آثار آن، به نحوی که متهم از عمل ارتكابی و مجازاتی که در نتیجه این عمل بر وی مترتب می شود آگاه گردد.

اصل سی و پنجم ق.ا «در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد» [۴]. به تعبیری دگر کلیه متهمین در تمام نظام عدالات کیفری حق اختیار وکیل را دارا می باشند و همچنین می بایست برای تمامی متهمینی که توان مالی اختیار وکیل را ندارند از سوی مرجع صالح قضایی باید امکانات تعیین وکیل برای متهم فراهم گردد، حق وکیل یکی از ارکان حقوق متهم است که ق.ا آنرا بیان کرده است.

اصل سی و هفتم ق.ا «اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود» [۴]. به فرموده حضرت علی (ع) هیچ مسلمانی مجرم و گناه کار نمی باشد مگر اینکه خلاف آن ثابت گردد و وی در مرجع قضایی محاکمه شود و طبق نظر قاضی مجرم شناخته شود.

اصل سی و هشتم ق.ا «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاعات ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود» [۴]. بر مطلق بودن منع شکنجه تردیدی وجود ندارد زیرا اقرار و شهادت متهم علیه خود از راه شکنجه و رنج مستمر روحی و جسمی بی رحمانه و غیر انسانی فاقد ارزش و اعتبار در قانون می باشد.

۴. اصل برائت

مطابق اصل ۳۷ ق.ا «اصل، برائت است. و هیچکس از نظر قانونی مجرم شناخته نمی شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح اثبات گردد» [۴]. اصل برائت که در قانون اساسی ایران در بطن اصل ۳۷ ق.ا.م.ا. قرار گرفته است به عنوان یکی از مهم ترین و بنیادی ترین اصول حاکم بر نظام دادرسی و قضاوت عادلانه، در جهت تامین و تضمین حقوق و منافع متهم در دادرسی های کیفری در تمامی اسناد بین المللی و قوانین قضایی کشورهای مختلف از اهمیت به سزایی برخوردار است. به نحویکه تقریباً در تمامی اسنادی که تاکنون به تصویب مراجع بین المللی رسیده به رسمیت شناخته شده است. اصل برائت بدین معنا می باشد که شخص متهم از نخستین مرحله ای که در ظن اتهام قرار می گیرد بیگناه تلقی می گردد و هیچگونه تکلیفی برای اثبات بیگناهی خود ندارد و تکلیف مقامات قضایی اثبات این اتهام می باشد. «قانون گذار ایرانی با اعلام اصل برائت به عنوان یکی از اصول معتبر قانون اساسی بر ضرورت تامین آزادی شهروندان و جلوگیری از سلب آن، جز در

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



موارد استثنایی و آن نیز به حکم مقام صلاحیت دار قضایی و بر طبق موازین حقوقی از یک سو و تامین محاکمه‌ی عادلانه و بی طرفانه و انجام تحقیقات مقدماتی در اسرع وقت و رعایت حق دفاع متهم در طول دادرسی از سوی دیگر نظر داشته است» [۹].

«در یک رسیدگی کیفری که طرف اصلی دعوای عمومی را دادستان تشکیل می دهد اصل براءت پشتیبان اصلی متهم به شمار می رود. این پشتیبانی تا حد مکلف کردن دادستان به اثبات اتهام و عدم تکلیف متهم به اثبات بی گناهی خود پیش می رود. نه تنها متهم مکلف به اثبات بی گناهی خود نیست و دادستان باید گناه کاری وی را اثبات نماید، بلکه تردید نیز به نفع متهم تعبیر می شود. متهم مکلف نیست دلایلی برای رفع تردید ارائه کند بلکه وی مکلف به رد دلایل اقامه شده علیه خود است. چون اگر در مقابل دلایل اقامه شده سکوت اختیار کند ممکن است سکوت علیه وی مورد استناد و استفاده قرار گیرد. به این اعتبار می توان موارد زیر را از آثار اصل براءت تلقی نمود:

۱- تکلیف مقام تعقیب (دادسرا) به تحصیل و ارائه ی دلیل

۲- تفسیر شک به سود متهم

۳- تفهیم اتهام به متهم

۴- حق داشتن وکیل و برخورداری از معاضرت وی» [۶].

همانگونه که قبلاً نیز ذکر گردید اصولی چند از ق.ا در برگزیده‌ی اصل براءت و تعریف کلی این مفهوم می باشد، همچنین بلعکس آن نیز می باشد به نحویکه با مروری بر اصل براءت و ارکان آن می توان به مضمونی از سایر اصول مربوط به حقوق متهم در ق.ا دست یافت. لذا در ادامه به بیان آثار اصل براءت پرداخته می شود تا در نهایت حقوق لازمه‌ی متهم در طی فرایند قضایی مشخص گردد.

۱،۴. تکلیف مقام تعقیب (دادسرا) به تحصیل و ارائه‌ی دلیل

اثبات و پرده برداشتن از واقعیت امکان پذیر نمی گردد مگر به استناد دلایل و مدارک، که این امر در امور کیفری از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد. کشف حقیقت و اثبات هر امری از ابزار یک دادرسی عادلانه می باشد که خاستگاه عالم حقوق جز این نمی باشد. «دلیل شامل اثبات وجود یک عمل، انتساب آن به یک شخص و معمولاً قصد این شخص در ارتکاب عمل می باشد» [۱۰]. «در دادرسی کیفری، حضور فعال قاضی در کاوش ادله و در پی آن دست یازیدن به واقعیت است که عدالت کیفری را تجسم می بخشد» [۱۱]. «دلیل در امور کیفری به دو منظور اساسی یعنی اثبات جرم و انتساب آن به متهم به کار گرفته می شود. قاعده‌ی "البینه علی المدعی" که قاعده‌ای عقلانی و از آثار مهم اصل براءت است؛ ایجاب می نماید در امور کیفری مقام تعقیب در دفاع از منافع جامعه و نیز شاکه‌ی به ارائه‌ی دلیل و اثبات مجرمیت متهم بپردازد و بدیهی است که متهم تکلیفی به اثبات بی گناهی خود ندارد و حتی می تواند در مقابل ادعاها و اتهامات مطرح، سکوت اختیار کند» [۱۲]. «در دعوای کیفری معمولاً ادله‌ی اثبات، قبل از ارتکاب جرم تهیه و تمهید نمی شود، ثانیاً متهمان در اغلب موارد و در صورت امکان درصدد امحای دلایلی بر می آیند که بتواند بزهکاری آنان را به اثبات رساند، پس قاضی کیفری باید در تهیه‌ی ادله‌ی اثبات جرم و تسریع در تحصیل و تسجیل دلیل در مراحل ابتدایی تعقیب فعال باشد و به عبارت دیگر قاضی کیفری جز در موارد استثنایی نباید در چارچوب ادعاها و ادله‌ی اصحاب دعوا محصور گردد و خود می تواند و باید اقدام به کشف حقیقت کرده و در جهت آنچه حقیقت مادی نامیده می شود گام بردارد» [۱۳]. می توان عنوان نمود که دادرسی می بایست خود را محدود به ادله‌ی اظهاری طرفین نماید بلکه می بایست تمام تلاش خود را برای یافت حقیقت مطلق به منظور جلوگیری از پامال شدن حقوق انسانی به کار گیرد و بدین گونه عدالت را به اجرا در آورد. «در دادرسی کیفری، حضور فعال قاضی در کاوش ادله و در پی آن دست یازیدن به واقعیت است که عدالت کیفری را تجسم می بخشد» [۱۱]. لذا علاوه بر شاکه‌ی، قاضی و یا دادرسی نیز باید اقدام به تکمیل دلایل و مدارک موجوده که دال بر حقیقت دارد نماید زیرا که می تواند سرنوشت محاکمه را به سمت حقیقت هدایت نماید.

۲،۴. تفسیر شک به سود متهم

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



به موجب این حق با وجود تردیدهای عارض در انتساب اتهام به متهم، نمی‌توان جرم را به متهم نسبت داده و حکم مجازات آن را صادر نمود. یکی از قواعد مهم موجود در حقوق جزای اسلامی "قاعده درء" می‌باشد که از جهاتی با قاعده تفسیر شک به سود متهم شبیه می‌باشد. «از میان اصول و قواعد تفسیر قانون در حقوق جزای عرفی قاعده درء را از جهاتی می‌توان با قاعده درء "تفسیر قانون مبهم به نفع متهم" مورد مطالعه‌ی تطبیقی قرار داد. قاعده درء یک قاعده‌ی عام است و مجاری متعددی دارد. هم شبهات عارض بر ادراک و ذهنیت متهم را در بر می‌گیرد و هم تردیدهای وارد بر حاکم را. به علاوه هم جنبه‌ی موضوعی دارد و هم حیثیت حکمی. بنابراین هم به مسئله‌ی جهل مرتکب به قانون و موضوعات آن مربوط می‌شود و هم به اقتناع وجدانی حاکم در وقوع مادی عمل، انتساب آن به متهم و شمول خصوص جزایی بر آن. این در حالی است که قاعده تفسیر قانون مبهم به نفع متهم جنبه‌ی قضایی صرف دارد و تنها به تردیدهای عارض بر دادگاه اعم از تردیدهای مربوط به امور موضوعی و تردیدهای مربوط به تفسیر قانون و بررسی شمول و یا عدم شمول مقررات جزایی بر وقایع مورد رسیدگی مربوط می‌شود» [۱۴]. این دو قاعده را می‌توان از جهات گوناگون با هم مقایسه نمود که عبارتند از: «۱- ملاک در عروض شک و مخاطبان قاعده: قاعده درء هم شبهه عارض بر متهم، و هم شبهه عارض بر قاضی را در بر می‌گیرد. شبهه متهم که به عنوان دفاع نزد قاضی بیان می‌شود چنانچه اثبات گردد، موجب درء حد است. همچنین شبهه‌ای که در روند بررسی دعوی کیفری بر قاضی عارض می‌شود نیز بی آنکه منشأ آن شبهه نزد متهم باشد، مشمول این قاعده است. از این نظرگاه نیز شک و تردید عارض بر هر دو نفر متهم و قاضی، می‌تواند ملاک عمل باشد. مخاطبان هر دو قاعده قضاتند؛ یعنی فقط قاضی دادگاه است که با وجود شبهه - منشأ آن هر چه باشد - مکلف است که حکم براءت بدهد و شک را به نفع متهم تفسیر کند. ۲- دلالت دو قاعده: شبهه در قاعده درء، عام است و شامل شبهات حکمی، مفهومی و موضوعیه است. ولی در قاعده دیگر به این کلیت نیست، زیرا گاهی شارع مقدس اسلام جهل به حکم شرع را به عنوان شبهه پذیرفته است؛ یعنی متهم می‌تواند به استناد اینکه به حکم شرع - به شرحی که گذشت - جاهل بوده یا نسبت به وجوب و حرمت امری شبهه داشته است، به استناد عذر عقلایی از خود دفاع کند و خواستار دفع مجازات از خویش گردد. ولی در حقوق موضوعه، جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری تلقی نشده است» [۱۵]. در حقوق موضوعه دادرس مکلف می‌باشد که در تفسیر متون جزایی ظن و گمان وارد بر متهم را به سود وی تفسیر نماید. دو قاعده به یکدیگر از جهات بیان شده مشابه می‌باشند و بر تفسیر شک به سود متهم در صورت عدم وجود دلایل معتبر تاکید می‌نمایند و همچنین باید بیان داشت کارکرد هر دو قاعده از حیث شمول جرائم و مجازات‌ها یکسان می‌باشند و همانگونه که قاعده درء دربرگیرنده‌ی مجازات‌ها می‌باشد قاعده تفسیر شک به سود متهم نیز در برگیرنده‌ی جرائم و مجازات‌ها می‌باشد. لذا دادرس چنانچه در اثبات ظن وارد بر متهم دچار شک و تردید گردد می‌بایست با استناد بر اصل براءت و عدم وجود مدارک معتبر دال بر مجرمیت متهم، رای بر براءت ایشان صادر نماید و متهم را از اتهام وارده تبرئه نماید. زیرا قضات تنها در شرایطی قادر به صدور حکم محکومیت می‌باشند که بر مجرمیت متهم یقیناً و بدون شک و تردید علم پیدا کرده باشند. «یکی دیگر از مهمترین آثار اصل براءت تعبیر شک به سود متهم است. در حقوق رم قاعده oer orp oebud ni قضات را مکلف به صدور حکم بر براءت متهمی که نسبت به بزهکاری او تردید داشتند می‌نمود» [۱۶].

۳،۴. حق داشتن وکیل

«در ایران حقوقدانان آنجا که مبانی و اصول "امنیت قضایی" که در واقع مهم‌تر از امنیت اجتماعی، فردی و اقتصادی است را بر می‌شمرند، اصول متعددی را احصا می‌نمایند از جمله: منع بازداشت افراد به صورت غیر قانونی، تفهیم اتهام، گرفتن آخرین دفاعیات و ... اما یکی از جمله اصول مهم را حق داشتن وکیل برای متهم در دادرسی‌ها می‌شمرند» [۱۷]. «حق داشتن وکیل از باب آزادی‌های عمومی و بنا به ضرورت‌های امروزی اجتماعی، پیشرفت تکنولوژی، گسترده‌ی ارتباطات و ... یکی از جمله حقوق عمومی مردم می‌باشد که شامل تمام افراد ملت اعم از زن و مرد، کبیر یا صغیر، با اهلیت یا مهجور شده و این حقوق (عمومی) بر عکس حقوق سیاسی مخصوص یک عده از افراد ملت که دارای شرایط معین باشند نبوده و بالاغم تمامی اهالی این مرز و بوم می‌توانند از آن متمتع شوند» [۱۸]. حق بهره‌مندی متهم از وکیل مدافع یکی از تضمین‌های لازم برای حفظ حقوق دفاعی او است که در شریعت اسلام نیز بر آن تاکید شده است. «عقل و انصاف حکم می‌کند که با پیچیده شدن مسائل حقوقی به ویژه در امور کیفری که با آبرو و حیثیت و جان و عرض افراد در ارتباط است متهم بتواند در دفاع از خود که مستلزم آگاهی از قوانین و مسائل خصوصی است برای نیل به دادرسی عادلانه از وجود وکیل مدافع برخوردار شود» [۱۹]. متهمین اغلب به دلیل ناآگاهی از مسائل حقوقی و قانونی خود آنگونه که باید و شاید قادر به اثبات ادعاهای خود نمی‌باشند و گاهی نیز به دلیل عدم آگاهی از قوانین ممکن است الفاظی را به کار گیرند که در نهایت به عنوان گواهی بر محکومیت خویش باشد لذا حق بهره‌مندی از وکیل آگاه و خبره به مسائل حقوقی می‌تواند از بروز چنین عواملی جلوگیری نماید و تضمینی برای

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



حقوق دفاعی متهم باشد که بر این حق در بسیاری از قوانین و اسناد بین المللی به وضوح تاکید شده است. «دخالت و کیل مدافع در دادرسی جنبه‌ی تشریفاتی نداشته و به منظور تامین حق دفاع متهم صورت می‌پذیرد. علاوه بر اینکه متهم خود برای تدارک دفاع از دادگاه استمهال کند» [۱۶]. هرگز چنین نباشد که متهمی بدون بهره‌مندی از ابزار دفاعی که یکی از این ابزار حق برخورداری از و کیل است در برابر ترازوی عدالت ناعادلانه قرار گیرد و برای او حکم صادر گردد.

۴،۴. تفهیم اتهام به متهم

اطلاع یافتن از موضوع و علل اتهام یکی از اساسی‌ترین تضمینات لازمه حقوق متهم می‌باشد. زیرا که متهم تنها با آگاهی تام از علل اتهام قادر به دفاع از خود می‌باشد. «ضرورت وجودی این حق برای متهم به این دلیل می‌باشد که او با تفهیم اتهام از موضوع اتهام علیه خود آگاه شده و این آگاهی به او این فرصت را می‌دهد تا امکانات دفاعی لازم در جهت رد اتهام‌های وارده را فراهم سازد» [۳]. «تفهیم اتهام عبارت است از مطلع شدن متهم از مفهوم اتهام به وسیله ضابط دادگستری قبل از شروع تحقیقات و به منظور اطلاع و اقدام در جهت دفاع از حق قانونی خود. به عبارت دیگر، منظور از تفهیم اتهام آن است که هر متهمی از ماهیت اتهام جزایی خود قبل از شروع تحقیقات مطلع باشد تا بتواند وسیله دفاع مناسب را تهیه کند» [۲۰]. همچنین آقای دکتر آشوری تفهیم اتهام را بدین گونه بیان نموده است: «اعمال رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد». «به موجب اصل ۳۲ ق.ا.ج.ا تفهیم اتهام در واقع یکی از حقوق متهم است که ضامن عادلانه بودن فرایند دادرسی است. دادرسی عادلانه وقتی میسر می‌شود که متهم بتواند به درستی و با تمام امکانات از خود دفاع کند و این ممکن نیست مگر آنکه از موضوع یا موضوع‌های اتهام وارده و دلایل آن اطلاع کامل داشته باشد» [۲]. این حق که می‌بایست مقدم بر آغاز بازپرسی باشد به متهم امکان لازمه را می‌دهد تا با آگاهی کامل از علل اتهامات وارده به خود بتواند قادر به دفاع از خود باشد. در این صورت است که دادرسی عادلانه محقق می‌گردد. متهم که تاکنون برحسب اصل برائت بی گناه فرض می‌گشته است پس از تفهیم اتهام و آگاهی تام از علل اتهام مورد خطاب دستگاه قضایی قرار می‌گیرد و به عبارتی از این پس است که فرایند دادرسی علیه متهم آغاز می‌گردد. دادرسی‌ای که حقوق تمامی افراد اعم از متهمین در آن مهم تلقی گردد.

۵. نتیجه‌گیری

در مقام جمع بندی و نتیجه‌گیری از مطالبی که بیان گردید می‌توان عنوان نمود: امنیت، آزادی و عدالت مختص تمامی افراد جامعه می‌باشد ولو اینکه آن شخص یک متهم باشد و نزد دگر افراد جامعه اعتبار و منزلت خویش را از دست داده باشد. حقوق متهم مجموعه اختیارات و امتیازاتی است که می‌تواند بر دستیابی به منافع و آزادی‌هایش تضمینی باشد. در ق.ا. کشور در اصولی چند، من جمله اصول ۲۵،۳۲،۳۵،۳۷،۳۸ بر حقوق دفاعی متهم تاکید گشته شده است. البته این بدین معنا نمی‌باشد که حقوق متهم مختص در این چند اصل از ق.ا. کشور می‌باشد بلکه با توجه بر هدف پژوهش حاضر تنها اول نام برده گردیده بررسی شده است. اصل ۳۷ ق.ا. دربرگیرنده و مشمول اصل برائت می‌باشد که عنوان دارد: «اصل، برائت است. لذا هر کس به ارتکاب جرمی متهم شود حق دارد بی گناه فرض شود. مگر اینکه مجرمیت وی با رسیدگی قانونی اثبات شود. اصل برائت یکی از اساسی‌ترین اصول حاکم و گواه بر یک دادرسی عادلانه و بی طرفانه در جهت تامین و تضمین حقوق متهم می‌باشد که در کلیه اسناد بین المللی و مقررات قضایی دگر کشورها بر آن تاکید شده است. با توجه بر اصل برائت فرد از نخستین لحظه‌ای که در مظن اتهام قرار می‌گیرد بی گناه تلقی می‌شود و همچنین تمامی آثار و فروع اصل برائت از جمله: تکلیف مقام تعقیب (دادسرا) به تحصیل و ارائه‌ی دلیل، تفسیر شک به سود متهم، تفهیم اتهام به متهم، حق داشتن وکیل و برخورداری از معاضرت وی از حقوق دفاعی متهم می‌باشد که می‌بایست توسط ضابطان و مجریان قضایی محترم گماشته گردد. همانگونه که در بخش‌های پیشین بیان گردید در دادرسی کیفری تلاش و کنکاش قاضی و مجریان قضایی برای کشف و پرده برداری از حقیقت مانع از پایمال گردیدن حقوق متهم می‌گردد لذا تکمیل دلایل و مدارک معتبر دال بر حقیقت توسط عاملین گفته شده ضروری می‌باشد. همچنین تفسیر شک به سود متهمین نیز یکی دیگر از حقوق مربوطه به متهمین بیان گردید که دارای تشابهاتی با قاعده درء می‌باشد مبنی بر این مسئله که در صورت وجود شک و تردید دال بر مجرمیت متهم در اظهار دادرسین و قضات کیفری، با استناد بر اصل برائت رای بر برائت ایشان را صادر نمایند. حق برخورداری از وکیل به منظور آگاهی تام متهم از مسائل حقوقی و قانونی خود و نیز بهره‌مندی از رهنمودهای لازمه در جهت اثبات ادعاهای خود مبنی بر بی گناهی، یکی دگر از حقوق دفاعی متهم عنوان گردید.

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



همچنین حق تفهیم فوری اتهام به عنوان یکی از اساسی ترین تضمینات لازمه حقوق دفاعی متهم بیان گردید زیرا که متهم تنها در صورتی قادر به دفاع از خود می باشد که آگاهی تام از علل یا عوامل اتهام وارده بر خود را داشته باشد، و نیز وظیفه ی این اطلاع رسانی را بر عهده ی ضابطین و مجریان قضایی قرار داد. لذا تمامی موارد ذکر گردیده در بخش های پیشین با بررسی اصولی چند از اصول ق.ا و نیز اصل برائت و فروعات آن، چندی از حقوقی را که می بایست در اختیار متهم قرار گیرد و لازمه یک دادرسی عادلانه و نیز ضامنی بر رعایت حقوق فردی است را بیان داشت. امید است که تحقق آن در تمامی دادرسی ها و قضاوت های کیفری متداوم و پایدار به وقوع بپیوندد.

مراجع

۱. قاسمی روشن، ا.، (۱۳۷۹)، "عوامل اجتماعی جرم"، نشریه معرفت، شماره ۳۶.
۲. نوروزی، ن.، (۱۳۸۶)، "تفهیم اتهام در مقررات کیفری ایران"، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره ۳، ص ۱۶۸-۱۷۹، پاییز.
۳. براری لاریمی، م.، قبولی درافشان، سید م. ت.، (۱۳۸۹)، "حقوق متهم با رویکرد فقهی"، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره دوم، ص ۲۳-۵۱، تابستان.
۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، معاونت حقوقی مجلس و بین المللی، پورتال وزارت کشور.
۵. عسگری، ف.، (۱۳۹۴)، "حقوق متهم و کرامت انسانی"، فصلنامه کارآگاه، دوره دوم، سال هشتم، شماره ۳۰، ص ۶۱-۶۸، بهار.
۶. رحمدل، م.، (۱۳۸۷)، "جایگاه حقوق کیفری در قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی"، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲-۶۳، بهار و تابستان.
۷. امید، ح.، (۱۳۸۲)، "دادرسی کیفری و حقوق بشر"، فصلنامه مجلس و پژوهش، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۸.
۸. آشوری، م.، (۱۳۷۸)، "نگاهی بر حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری"، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، شماره سوم، ص ۴۷-۶۴، پاییز.
۹. اکبری رومنی، ف.، (۱۳۸۷)، "اصل برائت در گذار تاریخ"، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲-۶۳، بهار و تابستان.
۱۰. میر محمد صادقی، ح.، (۱۳۸۳)، "دادگاه کیفری بین المللی"، نشر دادگستر، تهران، ایران.
۱۱. پورزند مقدم، پ.، (۱۳۸۰)، "زرف ساختن دلیل کیفری"، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۴، بهار، تهران، ایران.
۱۲. تدین، ع.، (۱۳۸۸)، "گستره ی دلیل در دادرسی کیفری ایران و فرانسه"، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۷، ص ۵۵-۸۸، پاییز.
۱۳. آشوری، م.، (۱۳۸۳)، "آیین دادرسی کیفری"، جلد دوم، انتشارات سمت، تهران، ایران.
۱۴. امید، ح.، (۱۳۸۲)، "قاعده درء و تفسیر نصوص جزایی"، مقالات و بررسیها، دفتر ۷۳، ص ۴۱-۵۶، تابستان.
۱۵. محمودی، ف.، (۱۳۷۸)، "قاعده درء و تطبیق آن با تفسیر شک به نفع متهم در حقوق موضوعه"، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۹، بهار.
۱۶. آشوری، م.، (۱۳۷۱)، "اصل برائت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه تطبیقی)"، بانک اطلاعات قوانین کشور، معاونت آموزشی دادگستری استان تهران، شماره ۲۸، ایران.
۱۷. هاشمی، سید م.، (۱۳۷۸)، "حقوق اساسی"، جلد ۱، چاپ سوم، انتشارات دادگستر، تهران، ایران.

International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



۱۸. عراقی، ا.ا. (۱۳۳۱)، حقوق اساسی ایران، چاپ اقبال.
۱۹. سلیمیان، ا.ا. صدیقیان، ع. ا. و ساجدی، ا.ا. (۱۳۹۲)، "حق داشتن و کیل از منظر حقوق بشر و حقوق ایران"، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره پنجم، پاییز و زمستان.
۲۰. منتصر اسدی، ف. (۱۳۵۸-۱۳۵۹)، "حق دفاع در تحقیقات مقدماتی"، رساله کارشناسی ارشد حقوق جزاء و جرم شناسی دانشگاه تهران، ایران.